

راه‌اندازی استودیوی «خانه پدری» در سامرا

استودیوی «خانه پدری» برای اولین بار در ایام اربعین در پشت‌بام حرم امامین عسکریین(ع) در سامرا آغاز به کار کرد. استودیوی خانه پدری برای اولین بار در ایام اربعین توسط قرارگاه اربعین سامرا و بلد و با همکاری ستاد اربعین سیمما و عتبه امامین عسکریین(ع)، در پشت‌بام حرم امامین عسکریین(ع) راه‌اندازی شده‌است.

این استودیو پوشش خبری و رسانه‌ای فعالیت‌های مربوط

محترم است و زائرها را در آیین‌نامه تعریف کردیم. گفتیم زائرهایی که تلویزیون می‌خواهد کدام‌هاست و مثلا در زائرگاه‌مندی، سینکام و کارنوجوان دارای اولویت است. بخش دیگر، آینده‌نگری و نمایش آینده ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی است. در هویت بخشی، سهم برابر و متوازن به زائرها دادیم و گفتیم چه چیزهایی ظرفیت رسانه‌ملی برایش خالی یا اولویت است. ایش و رسیدن به اولویت‌ها هم از چند مجرا بود. اولین مسیر، قرارگاه تحول بود که از کارگروه‌های قرارگاه تحول تقاضا کردیم بر اساس مطالباتی که دارند، به ما اعلام کنند چه اولویتی وجود دارد. یک بخش از طریق مرکز تحقیقات انجام شد و یک بخش هم از طریق مراکز استانی. در نهایت اولویت‌ها، نیازها و تقاضاهایشان را اعلام کردند و در جلسات کارشناسی طرح و محصولش این شد که در سال ۱۴۳۲ رسانه ملی به افراد می‌گوید بر اساس چه اولویت‌هایی کار کنند.

۱] در اولویت‌ها چقدر به بحث موفقیت علمی کشور در موضوع هوافضا، نانو و پیشرفت‌های موشکی توجه داشتید؟

سعی کردیم در این بخش، عناوین کلی را به مصادیق تبدیل کنیم. یعنی نگویم نانو، بگویم دکتر فلانی، یا نگویم پیشرفت‌های پزشکی، بگویم دکتر کاظمی. نگویم هوافضا، بگویم موفقیت موشک فلان. درواقع سعی کردیم به افراد و مصادیق ارجاع دهیم و جزئیات واقعه را بگویم و اولویت‌مان همین است. مثلا در هوافضا، طرح‌هایی به دست ما می‌رسید ولی چیزی نبود که رسانه ملی به دنبالش باشد. در اولویت‌ها همه شخصیت‌ها از شعرا، علما، اساتید و دانشمندان را در نظر داریم. درعین حال، بخش زیادی از اولویت‌ما، دانشمندان در قید حیات هستند و این راه صورت ویژه اولویت قرار دادیم. کارمصداتی‌مان که روی آنتن خواهد رفت، مربوط به پروفیسور بهاروند است. در مجموع معتقدیم نباید به افراد بگویم روی یک عنوان کلی را کار کنند، بلکه باید مصادیق را بگویم.

۲] با همه اولویت‌هایی‌که درباره آثار سال جاری گفتید، در ۹ ماه آینده چه سریال‌هایی خواهید دید؟

در سال جاری و ماه‌های آینده، ان‌شاءا... سریال‌هایی خواهیم داشت که حال مردم را خوب کند و فرامان این بود که کاری که حال مردم را خوب کند، در اولویت قرار گیرد، ازجمله کمدی، بیوگرافی، دفاع مقدس و کارهایی در مورد تاریخ اسلام و ایران. تنوعی از کارهایی داریم که نیاز مخاطب را در آنها دیده‌ایم و درعین حال به تقاضای مخاطب هم توجه کرده‌ایم. یعنی فقط به نیازها فارغ از تقاضای مخاطب توجه نکردیم.

۳] مابیش از این، آثاری را در تلویزیون شاهد بودیم که می‌توان گفت کارهای نسلی بود، درست مثل خط قرمز. این آثار، طیف گسترده‌ای از مخاطبان را با خود همراه می‌کرد. چقدر تلاش کردید تا این سرخط و زائر را هم در اولویت‌هایتان در نظر داشته باشید؟

در مورد کارهای نسلی یا به نوعی نسل Z، به این باور رسیدیم که مطالعه و شناخت کافی نداریم. در حقیقت این را می‌دانیم که هر فیلمنامه و اثر نمایشی، متکی بر پژوهش‌ها و وکلت‌های واقعی است. ما در حوزه این زائر، فکت‌ها را داریم اما پژوهش کافی نداریم. یعنی می‌فهمیم نوجوانان چه کارهایی می‌کنند اما برای این‌که پیدا کردن ربط سیستماتیک آنها، بدنه پژوهشی کشور باید بیشتر کار کند.

اما به هر حال، در حد مسائل و آرمان نسلی این بچه‌ها تلاش کردیم سریال طراحی کنیم؛ یعنی اگر فضای مجازی یا نحوه‌ای از اعتیاد به فضای مجازی برایشان مسأله‌است، تلاش کردیم چندسریال برای آن جلو ببریم. البته در این میان، تعدادی طرح سریال را رد کردیم چون الفای بد بودن فضای مجازی را داشت. ما می‌گفتیم فضای مجازی نمی‌تواند بد باشد، بلکه نحوه استفاده از آن قابل تقد است.

۴] علاوه بر کارهای نسلی، ما پیش از این کارهای مرتبط با خانواده را داشتیم. مثلاً اثری همچون «خانه سبز» را داشتیم که هم آموزش مسائل مرتبط با ارتباطات درون خانواده بود و هم نحوه حل‌کردنش در خانه اتفاق می‌افتاد. در حوزه سریال‌های مرتبط با خانواده چقدر تلاش کردید سمت این قبیل کارها رفته و آسیب‌شناسی آثار قبلی را هم لحاظ کنید؟

با توجه به تجربیات و تحقیقاتی که داریم، متوجه شدیم که نهاد خانواده از طریق سریال‌ها و متن‌های صوت تاخوداگاه آسیب دیده‌است. درواقع در روال قبل، برای طرح یک مسأله، خانواده را محمل قرار می‌دادند و بعد فهمیدیم عامل ایجاد بحران از خانواده انتخاب شده‌است و البته متأسفانه

در همه سریال‌ها تعمیم یافته‌است. یعنی در همه سریال‌ها عنصر برهم‌زدن آرامش درام، یکی از اعضای خانواده بود. این ایرادی ندارد، اما تعمیم این مسأله در همه سریال‌ها خوب نیست. یعنی در همه سریال‌ها یکی از اعضای خانواده - مثلا فرزندان، پدر و مادرها، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها یا دامادها و عروس‌ها - شخصیت بد بده‌قا بودند که کلیتش غلط بود؛ یعنی حال آدم‌ها را از کلیت خانواده خراب می‌کرد و القای خوبی نداشت. با توجه به دانش و تجربه سعی‌مان این است تا جلوی هر چیزی که حال مردم را خراب کند بگیریم.

در هر طرحی که نوشته می‌شود، خیلی حواس‌مان است که خانواده آسیب نبیند. مکانیسم‌ها زیاد داریم و با توجه به هر طرح، توصیه، کمک و راهنمایی می‌گیریم و بعضی‌شگرها هم کلی است و به همه افراد می‌گوییم. درست است که درام بدون تنش شکل نمی‌گیرد، ولی می‌خواهیم عنصر برهم‌زدن آرامش، کسی بیرون از خانواده باشد و خانواده مسأله را مدیریت و حل کند. در همین‌الگو، از نویسندگان خواهش کردیم تحول شخصیت‌ها را بد به خوب نباشد. تلاش می‌کنیم بخشی از تحول کاراکتر درام سریال‌ها از خوب به خوب‌تر باشد.

۵] کما این‌که ما این مسأله را در سریال‌هایی مثل «مشاوره» می‌دیدیم که به جای استفاده از کلمه «مشکل»، عنوان «مسأله» را استفاده می‌کرد.

به مواکب و حضور زائران اربعین در شهرهای سامرا و بلد را می‌پردازد و اطلاعاتیه‌های جدید را در اختیار زائران قرار می‌دهد.

این استودیو که فعالیت رسمی خود را از عصر یکشنبه ۲۸ مرداد آغاز کرده تا ۹ شهریور جاری (پنج روز پس از پایان اربعین) به پوشش رسانه‌ای خود ادامه خواهد داد. استودیو خانه پدری که برای اولین‌بار است در ایام اربعین راه‌اندازی

شده، برنامه‌های متنوعی را از شبکه‌های مختلف صداوسیما به‌صورت زنده پخش خواهد کرد.

شهر سامرا در شرق رودخانه دجله و در شمال بغداد قرار داد. این شهر، مرکز استان صلاح‌الدین بوده و در فاصله ۱۲۴ کیلومتری بغداد واقع شده‌است. سامرا از شرق به کرکوک، از شمال به استان نینوا، از غرب به استان الانبار و از جنوب به بغداد منتهی می‌شود.

این فرمایش شما کاملاً درست است. ما برای رفع این نقیصه باید سطوح مختلف درام را اصلاح کنیم. به‌طورکلی، با توجه به مطالعاتی که داریم، شاهد هستیم که فیلمسازان موفق متوجه مسأله خانواده هستند. ما در سینمایی نفس می‌کشیم که «مادر» شکل گرفته؛ مادری که همه خانواده را جمع می‌کند. ولی از سوی دیگر فیلم‌هایی داریم که خانواده را نقد می‌کنند، این هم اشکالی ندارد و درست است. ولی وقتی سریال‌های تلویزیونی را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم در بیش از ۸۰ درصد سریال‌ها عناصر خانواده با هم می‌جنگند. پس می‌فهمیم اشتباه شده و سعی می‌کنیم آن را متعادل کنیم. در حقیقت باور داریم که کلیت دادن به این‌که خانواده هیچ مشکلی با هم ندارد غلط است اما تلاش می‌کنیم اشتباهی که رخ داده و عمدی نبوده را حل کنیم.

۶] در صحبت‌های‌تان گفته بودید حتی اگر طرحی نقد نظام باشد، آن را می‌خوانید و پاسخ می‌دهید. این نکته بسیار بزرگی است. چون ممکن است شبهاتی به دفتر فیلمنامه وارد شود که ممیزی‌های خاص خود را دارد. چقدر یا دید منطقی به طرح‌ها نگاه می‌کنید؟

بگذارید این‌طور بگویم که مسأله اصلی ما نقد نظام نیست بلکه در آثار دوستان است که فاصله بسیاری میان واقعیت کنونی مردم با قصه احساس می‌شود. نمی‌گویم چرا واقعیت را نقد نمی‌کنند، صحبت این است که اصلاً به واقعیت توجه ندارند! مثلاً درباره فتنه ۱۴۰۱ هنوز طرحی نه له و نه علیه آن به ما نرسیده‌است، درباره غالب واقعیات رخ داره پیرامون مان هم همین‌طور.

۷] به این دلیل نیست که نویسنده ممکن است تصور کند دچار ممیزی می‌شود؟
به نظرم مسأله اساسی، توجه نکردن به واقعیت است. حتی در موضوع غزه، انتخابات، انتقام از رژیم صهیونیستی (وعده صادق) و ناوگروه ارتش و... هم طرحی به ما نرسیده‌است. حتی کارهای آسیب شناسانه‌مان ناظر به واقعیت‌ها نیست و برخی‌هاشان تاخیر دارد. مثلاًگاهی می‌بینیم در طرح‌هایی که به ما رسیده، به مسأله‌ای اشاره کرده‌اند که حداقل مربوط به ۱۰ سال قبل است. طبق نظرسنجی مرکز تحقیقات، ۸۵ درصد مردم گفته‌اند خودشان را در رسانه ملی ندیده‌اند و فقط طبقه خاصی در تلویزیون دیده شده‌اند. برخی می‌گویند شاید نویسندگان کتاب نمی‌خوانند اما من می‌گویم انگار فقط کتاب می‌خوانند و از واقعیت‌ها به دورند.

۸] یعنی منتقدیبه دور بودن نویسندگان از بطن جامعه هستید؟
به نظرم رقبای تلویزیون چیزی تولید نمی‌کنند که هویت جامعه ایرانی را نمایش دهد. باید پرسید چند محصول تلویزیون را می‌توان به جبهه مقاومت، مردم منطقه و مردم جهان داد و گفت ما این هستیم؟ یااین محصول ایران ماست؟ کشورهای غرب آسیا یک تصویری از ما دارند، چندسریال از رقبای تلویزیون داریم که به آنها بدهمم و تصویر واقعی از خودمان باشد؟ غالب کارهایی که از رسانه‌های رقیب تلویزیون پخش می‌شود خلاف واقعیت مردم و صرفاً نمایش یک مسأله اجتماعی تلخ و سیاه است. در حالی که تصور حتی یک آمریکایی از ما چیزی غیر از این است. وقتی یک فناوری را خلق می‌کنیم یا یک دستاورد پزشکی یا هسته‌ای به دست می‌آوریم، در کل دنیا در سطح خبر، سیاست و حتی در سطح اقتصاد، تصویری از خود می‌سازیم ولی در سطح فرهنگ، تصویری که به افراد می‌دهیم این قدر دور است که قابل دفاع نیست؛ مثلاً تصویر رسانه رقیب از ایران، جامعه‌ای پر از خشونت و دعواست. در رسانه‌های رقیب، هیچ سریالی‌حامل موفقیت‌های ایران نیست و همه سریال‌ها حامل ضعف‌های کلی هستند که در همه ادوار بوده‌است. هویت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی هویت خاصی است. فاصله بین واقعیت و درام باعث شده برعکس مردم، یعنی تصویری ما از رسانه‌ها چیزی غیر از مردم ماست و نتوانستیم کاری کنیم که مردم خود را و دانشمندان‌شان را دوست داشته باشند. همه این برکردن رسانه ملی با همه تدهایی‌که ممکن است به آن وارد باشد، یک رسانه امن است که می‌توان کنترل آن را دست هر کسی در هر جایی از ایران، منطقه و جهان داد اما نمی‌توان کنترل رسانه‌های رقیب را به هر کسی داد.

۹] فراخوانی ارائه کردید که این تغییر اتفاق بیافتد و واقعیت‌ها، بیشتر در متن طرح‌ها دیده شود؟
در اولویت‌ها سعی کردیم این کار را بکنیم و افراد را به واقعیت‌ها ارجاع دهیم. در مرحله بعد مجبوریم اولویت‌ها را محقق کنیم. اگر بخواهم آسیب‌شناسانه در حد کلی بگویم، دور شدن نمایش و درام از واقعیت‌ها و آرمان‌ها به دلیل رشد نکردن فناوریانه در مرحله فکر و عمل است. یعنی در تلویزیون و سینما به لحاظ فکری هم رشد سال ۱۴۳۲ را انجام ندادیم. برای مثال زمانی‌که قبول مسئولیت کردیم، همه سریال‌های تلویزیونی در زائر ملودرام بود و حتی به لحاظ زائری فقط یک مورد کار پلیسی داشتیم و یک باره همه کارها پلیسی معمایی شد.

۱۰] کما این‌که در یک سال گذشته هم برخی منتقدان گفتند حجم بسیاری از آثار تاریخی را داشتیم. اما سوالم این است که شاید بخشی از نبود واقعیت در طرح‌ها، به واسطه هراس از ممیزی بوده. این‌طور فکر نمی‌کنید؟

ممیزی‌ها هم تأثیر داشته‌است اما این را توجه داشتند شاید که ما برای ممیزی نمی‌نویسیم. یکی از گزاره‌های دفتر فیلمنامه این است که با توجه به واقعیت‌ها و آرمان‌ها فیلمنامه می‌نویسیم و نه ممیزی‌ها. یکی از دردها و مسائل اساسی ما این است که نویسندگان بر اساس ممیزی‌ها متن می‌نویسند که قرار ما این نبود. قرار این بود بر اساس واقعیت‌ها و آرمان‌ها متن بنویسند و ممیزی هم کار خودش را انجام بدهد. این ما هستیم که میزان را رشد می‌دهیم، نه این‌که میزان ما را شکل دهند. متأسفانه انگار این قاعده برعکس شده.

۱۱] از این منظر، ممکن نیست دست نویسنده بسته باشد؟
در طی این ۲۳ ماه هیچ مواجهه‌ای نبوده که تلویزیون نه بگوید، نگفته با هیچ فردی یا درباره فلان موضوع کار نکن. باره رو رفت، اعلام کردن به افراد و تقاضا کردن است. در گروه نویسندگان یا کارگاه نویسندگی، همیشه این را می‌گویم که مراب من نباشند بلکه



نیم‌نگاهی به آمار فعالیت‌های دفتر فیلمنامه

دریافت ۲۰۷۱ طرح از سوی دفتر فیلمنامه

تصویب ۳۷۳ طرح اولیه فیلمنامه

۹۰ فیلمنامه در حال نگارش

فعال بودن ۱۵ پروژه در مراحل مختلف

اعلام ۱۱۹ اولویت برای نگارش فیلمنامه

تدوین اطلس فیلمنامه نویسان شامل ۳۰۰ نفر

مراقب مردم باشند. به خاطر مردم با من بی‌جنگند. نباید به خاطر من، مردم را فراموش کنند و البته من هم بخشی از مردم هستم. با آنان حرف می‌زنم و مرا راضی می‌کنند که مسأله پیرامونی ما مثلاً در تهران یا یزد فلان چیز است. بعد با هم گفت‌وگو می‌کنیم؛ نه این که بپرسند چه بنویسیم.

ما اولویت‌های مان را اعلام کردیم و آنها (نویسندگان و فیلمنامه نویسان) هستند که می‌گویند اینها دیده نشده‌است. پیش‌بینی من این است که در سال بعد، این فیلمنامه‌نویسان هستند که اولویت‌ها را به اداره فیلمنامه اعلام می‌کنند. ما از مجموعه بالادستی امضا گرفتیم تا فرایند را راه بیندازیم.

در آینده، فیلمنامه‌نویسان از کف اجتماع گزارش می‌آورند که اینها اولویت است و ما مجموعه بالادستی را راضی می‌کنیم که اولویت اینهاست؛ یعنی ترکیب بالادستی‌ها و مخاطب. البته ممکن است عوامل دیگری هم موثر باشد. عادت ذهنی نویسندگان و این ساختار پرورش نیافته و رشد نیافته هم به طور قطع در این وضعیت موثر بوده‌است. یکی از مسائل و مشکلات اساسی ما در دفتر فیلمنامه، مقاومت سیستم‌ها علیه کار نواست و هر کار نویی که می‌خواهد انجام شود، فرض اول نه‌است.

۱۲] یک نکته که در حوزه همکاری با دفتر فیلمنامه و به‌طور کلی مسیر همکاری با تلویزیون شنیده می‌شود، انگاره‌سازی قهر با تلویزیون و مواردی شبیه به این است. این‌طور که شما می‌گویید در دفتر فیلمنامه با‌است و از سمت شما، مانعی وجود ندارد. حتی این آماجگی و جود دارد که دغدغه‌های کف جامعه بیان شود. درست است؟

نمی‌دانم این گزاره و انگاره‌سازی قهر در کجا ساخته می‌شود. در دفتر فیلمنامه می‌گویم اگر فریاد دارید برسر من بزنید. کسی در کار من دخالت نمی‌کند و اگر دخالتی که می‌شود دخالت سازمانی و تعریف شده‌است. من این را گفتم که هرکس فکر می‌کند فیلمنامه تلویزیون ایراد دارد به من بگوید یا در کانال چشمه پیام بگذارد. قهری وجود ندارد. وقتی واقعیت را به مردم منعکس نمی‌کنیم و در طرح‌های رسیده، شاهد بیان این واقعیت نیستیم، آن وقت مخاطب می‌گوید من خودم را در تلویزیون نمی‌بینم. حال‌در رسانه رقیب تلویزیون که انگاره قهر وجود ندارد، نگاه کنید، واقعا چقدر واقعیت و چهره مردم است؟! طوری رفتار کرده‌اند که مردم عصبی می‌شوند.

در نمایش مسائل جنسی و خشونت هم همین‌طور است. فرامان این نبود. ما فکر نمی‌کردیم یک روزگاری، این همه خشونت ببینیم. حالا جالب اینجاست که خروجی این همه خشونت در رسانه رقیب تلویزیون، سه میلیون مخاطب است. یعنی اصلاً قابل مقایسه با تلویزیون نیست.

قرار انقلاب اسلامی نبوده که فیلم‌هایی با این سطح از خشونت ساخته شود که واقعیت را به مردم منتقل نکند. فیلم‌سازی در جای خودش، زائر محترمی است اما قرار نبود تعمیم بدهیم. فرامان این همه دست‌اندازی به سلب‌ریتی‌ها نبود. در دهه ۶۰ گفتمان سینمای ضدقهرمان را شایع کردند که غلط بود. همان‌طور که در دهه ۶۰ با قهرمان در سینما جنگیدیم، الان سلب‌ریتی را در جای قهرمان گذاشتن غلط است. باید یک گفتمان واقعی و کارشناسی ببینیم. مردم با این گفتمان عقب‌ماندگی و تحجر، بیگانه‌اند و می‌گویند اگر آرمان‌های مان را نمی‌گویید، لاقل واقعیت‌مان را بگویید.



متن کامل

آلن دلون با «دسته سیسیلی‌ها» می‌آید

شبکه نمایش سیمابه مناسبت درگذشت آلن دلون، فیلم سینمایی «دسته سیسیلی‌ها» به کارگردانی آنری ورنوی را روی آنتن می‌برد. این فیلم سینمایی امروز ساعت ۱۱ و چهارشنبه ۳۱ مرداد ساعت ۵ بامداد پخش خواهد شد.



کیواکدراسکن کنید

دل به دریا زدن با «کشتی آنجلیکا»

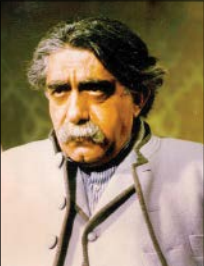
اگر به تماشای فیلم‌های دهه ۶۰ علاقه‌مند هستید و قصد دارید با تماشای این فیلم‌ها خاطره‌بازی کنید، می‌توانید امشب ساعت ۲۱ به تماشای فیلم «کشتی آنجلیکا» از شبکه نمایش بنشینید.

کشتی آنجلیکا فیلمی به نویسندگی حسن قلی‌زاده، بهنام دبای و محمد بزرگ‌نیا به کارگردانی محمد

بزرگ‌نیا و آهنگ‌سازی بابک بیات که در سال ۱۳۶۷ ساخته شده و بازگرایانه همچون مهدی فتحی، داریوش ارجمند، مجید مظفری و جمشید جهانزاده و زنده‌یادان عزت... انتظامی، آتیلا پسیانی، پرویز پرورحسینی در آن ایفای نقش کرده‌اند.

در خلاصه داستان این فیلم سینمایی آمده‌است: سال‌ها پیش کشتی آنجلیکا با محموله ارزشمندی از طلا و نقره در دریا غرق شده‌است. احمدبیک موفق می‌شود محل غرق شدن کشتی را بیابد و در پی خراج‌ساختن گنجینه آن برآید.

او برای این کار با پسر حاکم شیراز و به شرط تقسیم غنایم عازم محل غرق کشتی آنجلیکا می‌شود اما پسر حاکم درصدد تصاحب تمام گنجینه برای خود برمی‌آید، غافل از این‌که انگلیسی‌های حاضر در جزیره که از ماجرا باخبر شده‌اند نیز تصمیم مشابهی را برای خود دارند.



«طوبی» داستان گمشده

سریال «طوبی» که این‌روزها حال و هوای یک دختر ۱۸ساله در دهه ۵۰ را روایت می‌کند، برگرفته از کتاب «اربعین طوبی» است. که هنوز پایان آن برای مخاطبان مشخص نیست. سیدمحسن امامیان، نویسنده کتاب اربعین طوبی درباره این

کتاب که نسخه تصویری آن با نام طوبی روانه آنتن شبکه یک سیما شده، گفت: بنده در جریان طرح اولیه فیلمنامه طوبی بودم. ولی فیلمنامه سه مرتبه بازنویسی شد که به‌عهده نویسنده سریال بوده و دیگر در جریان نبودم. امامیان در پاسخ به این سؤال که آیا اثر نمایشی طوبی داستان دهه ۵۰ تا ۸۰ را روایت می‌کند؟ و این داستان واقعی بوده؟ توضیح داد: بله، نام خانمی که اسمش در سریال طوبی است، بتول بوده و داستان زندگی ایشان از دهه ۳۰ شکل می‌گیرد، یعنی داستان رمان از کودتا تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز می‌شود. وی در پاسخ به این سؤال که انتهای رمان اربعین طوبی به چه صورت است؟ تصریح کرد: ما در کتاب پایان باز را برای خوانندگان گذاشتیم. چرا که زمینه کتاب جست‌وجوگرانه است. طوبی به دنبال فرزند گمشده خود می‌گردد و پیاده‌روی اربعین به‌خاطر پیدا کردن فرزندش است.

